

۶ پیش‌گفتار

۷ توضیحات کلی

۹ دربارهٔ تصنیف‌های علی‌اکبر شهنازی

- ۱۲ — جدول ۱. تصانیف ساختهٔ علی‌اکبر شهنازی
 ۱۶ — جدول ۲. تصانیفی که احتمالاً ساختهٔ علی‌اکبر شهنازی هستند
 ۱۸ — جدول ۳. تصانیف دیگر تصنیف‌سازان که علی‌اکبر شهنازی آن‌ها را نواخته است

نت تصنیف‌ها

- ۲۰ — ۱. «ای نوع بشر»
 ۲۷ — ۲. «به اصفهان رو»
 ۳۱ — ۳. «تا جوانان ایران»
 ۳۸ — ۴. «دل من از هجر تو خون شد»
 ۴۱ — ۵. «زد لشکر گل»
 ۴۵ — ۶. «شور قیامت شد به‌پا»
 ۴۹ — ۷. «نسیم سحر»

پیوست‌ها

- ۵۴ — پیوست ۱. شعر و نت‌نویس تصانیفی که احتمالاً ساختهٔ علی‌اکبر شهنازی هستند
 ۵۵ — ۱. «بده ساقی»
 ۵۹ — ۲. «صد زخم زبان»
 ۶۳ — ۳. «گر ماه من بیفکند»
 ۶۶ — پیوست ۲. چند گفت‌وگو با علی‌اکبر شهنازی
 ۶۶ — ۱. صحبت‌های علی‌اکبر شهنازی دربارهٔ زندگی هنری و ذکر چند خاطره
 ۷۱ — ۲. برنامهٔ رادیویی «گلچین هفته»، شمارهٔ ۱۰۲
 ۷۱ — الف) خاطرهٔ ضبط نخستین صفحه
 ۷۳ — ب) خاطراتی از دوران کودکی
 ۷۴ — ج) در گفت‌وگو با امیر هوشنگ ابته‌هاج
 ۷۶ — ۳. مصاحبهٔ مجلهٔ تماشای (شمارهٔ ۱۶۸، ۱۵ تیر ۱۳۵۳) با علی‌اکبر شهنازی
 ۷۹ — ۴. مصاحبهٔ روزنامهٔ کیهان (شمارهٔ ۱۰۲۸۹، چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۳۵۶) با علی‌اکبر شهنازی
 ۸۱ — پیوست ۳. «استاد علی‌اکبر شهنازی در تار به قلم هنرمند فاضل آقای رضا لطفی»
 ۸۴ — پیوست ۴. برنامه‌های رادیویی
 ۸۵ — پیوست ۵. زندگی‌نامهٔ عنایت‌الله شیبانی
 ۸۸ — پیوست ۶. شعر تصنیف «شهره در جهان»

جدول ۱. تصانیف ساخته علی اکبر شهنازی

شماره صفحه	اطلاعات صفحه شناسی	نوازندگان	خواننده	شاعر	دستگاه / آواز	نام تصنیف
V1320-21	صفحات قرمز رنگ کمپانی پُلین تهران، ۱۳۰۶	ارسلان درگاهی (تار) حسین یاحقی (ویلن) رضا روان بخش (تنبک)	قمرالملوک وزیری	محمدعلی امیرجاهد	بیات اصفهان	ای نوع بشر ^(۱)
—	—	ارکستر رادیو اصفهان [احتمالاً]	جلال تاج اصفهانی	محمدتقی بهار	بیات اصفهان	به اصفهان رو ^(۲)
V1110-11	صفحات قرمز رنگ کمپانی پُلین تهران، ۱۳۰۶	ارسلان درگاهی (تار) حسین یاحقی (ویلن) رضا روان بخش (تنبک)	قمرالملوک وزیری	محمدعلی امیرجاهد	ماهور	تا جوانان ایران ^(۳)
V1108	صفحات قرمز رنگ کمپانی پُلین تهران، ۱۳۰۶	ارسلان درگاهی (تار) حسین یاحقی (ویلن) رضا روان بخش (تنبک)	قمرالملوک وزیری	محمدعلی امیرجاهد	شور	دل من از هجر تو خون شد ^(۴)
AX 387	صفحات قرمز رنگ کمپانی هیزمسترزویس تهران، ۱۳۰۵	مرتضی نی داود (تار) موسی نی داود (ویلن)	قمرالملوک وزیری	وحید دستگردی	چهارگاه	زد لشکر گل ^(۵)
V 1268	صفحات قرمز رنگ کمپانی پُلین تهران، ۱۳۰۶	علی اکبر شهنازی (تار) [ابراهیم منصوری (ویلن)، به همراه تنبک]	عنایت الله شیبانی	وحید دستگردی	شور	شور قیامت شد به پا ^(۶)
(اشرف السلطنه) 15014 (جمال صفوی) 15076	صفحات سبز رنگ کمپانی کلمبیا تهران، ۱۳۰۷	حسین استوار (پیانو) ابراهیم منصوری (ویلن) حسین سالاری (تار) مهدی غیاثی (تنبک)	اشرف السلطنه جمال صفوی	محمدتقی بهار / حسین مسرور ^(۷)	ابوعطا	نسیم سحر

جدول ۱. تصانیفی که به طور قطع ساخته علی اکبر شهنازی هستند.

شور قیامت شد بدیا

شاعر: وحید دستگردی

♩ = 138

Šu ro qi yā mat šod be pā

šu ro qi yā mat šod be pā bā zaz

na vā ye tār del kaš se dā ye tār

beš no ze gu še ā še nā

beš no ze gu še ā še nā bān ge

da rā ye tār bān ge da rā ye tār

شور قیامت شد به پا^۱

(شور و قیامت شد به پا)^۲ (دو بار)
 دلکش صدای تار
 باز از نوای تار (بشنو ز گوش^۳ آشنا) (دو بار) (بانگِ درای تار)^۴ (دو بار)
 کز جور اغیارم چو یار در ناله زار
 گرم باده^۵، مست افغان، همچو مرغ گرفتار
 گلستان بی باغبان، باغبان گل خزان
 بلبل شوریده، برکش از سینه فغان، برکش از ناله فغان^۶
 نای بلبل بریدند^۷
 نای بلبل فشردند
 (ای خدا، فریاد، آمان) (دو بار)

۱. در مجله ارمنان بند دومی نیز برای این تصنیف نوشته شده است که در نسخه شنیداری مورد نظر ما، با صدای عنایت‌الله شیبانی، موجود نیست (کنسرت شهینازی و نمایش کمدی در سه پرده، ص ۳۲). این شعر در دیوان وحید دستگردی نیز موجود است (دیوان وحید دستگردی، ص ۷۷) و تفاوت‌های جزئی با مجله ارمنان دارد که نگارنده این تفاوت‌ها را درون قلاب قرار داده است. این بند به صورت زیر است:
- دست جفای گل فروش / با گل چه‌ها نکرد / کم از جفا نکرد / چه‌ها که این بیگانه جوش / با آشنا نکرد / یعنی به ما نکرد / چشم دریده [دیده] تا به گوش حیاندارد / نیش عقرب / ناب افعی / زشت و زیبا ندارد / چه وکیل و چه وزیر / چه امیر و چه فقیر / روز و شب کوشیدند / تا ملک جم شد اسیر / کاوه جوان کجاست / بر دفع ضحاک پیر.
۲. در دیوان وحید دستگردی این عبارت به صورت «شود شور قیامت به پا» عنوان شده است (همان، همان جا) ولی خواننده آن را به صورت «شور قیامت شد به پا» می‌خواند. در مجله ارمنان هم به همین صورتی که خواننده اجرا می‌کند نوشته شده است (کنسرت شهینازی و نمایش کمدی در سه پرده، ص ۳۱).
۳. در مجله ارمنان به جای «بشنو ز گوش» نوشته شده «با گوش هوش آشنا» نوشته شده است (همان، همان جا) اما خواننده «بشنو ز گوش» ادا می‌کند.
۴. در مجله ارمنان بار اول این عبارت به صورت «بشنو صدای تار» عنوان شده است (همان، همان جا) اما خواننده در نسخه شنیداری هر دو بار آن را به صورت «بانگِ درای تار» ادا می‌کند.
۵. در مجله ارمنان به جای «باده» نوشته شده «ناله» (همان، همان جا) اما خواننده آن را به صورت «باده» اجرا می‌کند.
۶. در مجله ارمنان فقط عبارت «برکش از سینه فغان» نوشته شده (همان، همان جا) اما خواننده در نسخه شنیداری، بار دوم این عبارت را به صورت «برکش از ناله فغان» می‌خواند.
۷. در مجله ارمنان فقط «نای بلبل فشردند» نوشته شده (همان، ص ۳۲) اما در نسخه اجرایی خواننده بار اول عبارت «نای بلبل بریدند» ادا می‌کند.

[...] جشن هنر شیراز، عرض می‌شود که فرح صحبت هیچ کسی را نمی‌کرد. بعد که من آنجا رفتم، وزیر دربار می‌آمد جلو می‌ایستاد اسم من را می‌آورد. می‌گفت: «استاد آن است. اگر استاد [کسی هست]، شهنازی است». آقا دست می‌زدند. نمی‌دانید چه می‌کردند. آن وقت من می‌دیدم که این مردها و این زن‌ها بی‌به من فشار می‌آوردند، می‌گفتم: «پدر من را که درآوردید! [همه می‌خندند] س‌تان است، چرا چنین می‌کنید؟» بلند می‌شدم فرار بکنم از دستشان بروم. گفتم: «بس است دیگر این چه کاری ست می‌کنید آخر؟ من نمی‌فهمم. فرح صحبت کرد که کرد، خب. خوب کاری کرد. دیگر این قدر من را اذیت نکنید. من بیچاره شدم از دست شما، [همه می‌خندند]. بله، می‌رفتم ساز می‌زدم، نمی‌دانید چه می‌کردند، نمی‌دانید. این خارجی‌ها، مخصوصاً هندی‌ها، خانمی مُهر زده بود اینجایش، خوب هم ساز می‌زد. وقتی من سازم را زدم و آمدم، این کسانی هم می‌گفت: «استاد، شما تار زدید، آمدید، من دیگر دیدم بالای ساز شما نمی‌توانم...». گفتم: «برو بنشین، بزن. این حرف‌ها چه هست، بالای ساز شما نمی‌توانم بزدم چه هست. تونی می‌آیی برو، چه کار داری؟» می‌گفت: «آخر یک طوری شما زدید که دیگر مال ما جلوه...». گفتم: «برو این حرف‌ها را نزن. برو بنشین بزن. آن وقت وقتی من می‌آمدم، آن خانم هندی بلند شد و آمد و نمی‌توانست فارسی حرف بزند. بیخ گوش من یک چیزی گفت، گفتم: «ارواح نَهات... [همه می‌خندند]. ای بابا، از این حرف‌ها خیلی زیاد است!

۲. برنامه رادیویی «گلچین هفته»، شماره ۱۰۲

الف) خاطره ضبط نخستین صفحه

از استاد شهنازی خواهش کردیم خاطره‌ای را که از ضبط نخستین صفحه خود دارند، برای شنوندگان «گلچین هفته» بیان کنند. شهنازی: یک روز مرحوم پدرم تشریف آوردند منزل. یک آدمی ما داشتیم که می‌گفتند لیلَه بنده است و اسمش حسین بود. او را صدا کرد و گفت: «علی اکبر از مدرسه آمده؟» چون سابقاً مدرسه سن لویی می‌رفتم. در آنجا تحصیل می‌کردم و آن وقت هم بیرونی و اندرونی بود. بیرونی، کلاس ساز بود که مرحوم پدرم شاگردها را درس می‌دادند و اندرونی بود که دری و پرده‌ای داشت و این‌ها می‌گفت که: «حسین را صدایش کنید ببیند علی اکبر از مدرسه آمده. چایش را بخورد، نان و پنیرش را بخورد، به کلاس بیاید». بعد آمدند به بنده گفتند و بنده رفتم به کلاس، پیش مرحوم پدرم. پدرم به بنده فرمودند که: «علی اکبر». گفتم: «بله قربان». بنده خیلی احترام می‌گذاشتم. بدون اجازه نمی‌نشستم. فرمودند: «خب، بنشین، بنشین». عرض کردم: «چشم». نشستم. گفتم: «مژده به تو بدهم». گفتم: «قربان، چه مژده‌ای؟». گفت که: «هامبارتسوم^۲ آمده و می‌خواهد از ما صفحه بگیرد. تو بیات ترک با افشار [افشاری] را روی آن‌ها کار بکن که شبی که آنجا می‌روی، برای ضبط صفحه آماده باشی و جناب دمانودی هم در این صفحه شما شرکت دارد که می‌خواند. عرض کردم که: «چشم». گفت: «خب، من حالا دیگر کاری ندارم تا وقتی که تو را خبرت بکنم و بنشین کار بکن». بنده از مدرسه می‌آمدم منزل. آنجا چای می‌خوردم و کارهایم را می‌کردم و بعد درس‌های مدرسه‌ام را حاضر می‌کردم. بعد از اینکه درس‌های مدرسه‌ام را حاضر می‌کردم و پدرم ساعتش را نگاه می‌کرد، یک ساعتی داشت زنگی، طلا، ناصرالدین شاه یا مظفرالدین شاه، نمی‌دانم این‌ها را، درست خاطر من نیست، به او داده بود و فرمودند: «خب، حالا درست را که خواندی، بنشین سازت را کار بکن. ساعت وقتی زنگ زد، ساعت ۱۰، برو بخواب». بعد گفتم: «چشم». درس را حاضر می‌کردم و بعد ساز به دستم می‌گرفتم، دوره‌هایی که به بنده درس داده بود، آن‌ها را دوره می‌کردم. گاهی خاطر من هست که بعضی جاها اشتباه کردی؟ اینجا را درستش کن». بعد با زبان می‌خواند و بنده آن را حاضر می‌کردم. بعد ساعت ۱۰ که می‌شد، قربان! اینجا را چرا اشتباه کردی؟ اینجا را درستش کن». بعد با زبان می‌خواند و فرمودند که: «علی اکبر»، گفتم که: «بله». گفتم: «چشم». ساز را کوک کردم و شروع کردم به زدن. قاه قاه خندید. گفت: «بارک الله، بارک الله، خیلی خیلی خیلی خوب یاد

۱. به احتمال بسیار قوی این مصاحبه در سال ۱۳۵۶ انجام شده است؛ چرا که در ادامه برنامه پیش درآمد بیات ترک با اجرای شهنازی بخش می‌شود و مجری درباره آن می‌گوید: «این قطعه را استاد روز دوشنبه اول اسفند ماه نواختند و این قدرت و سرعت مضرب از مردی ۸۰ ساله باور نکردنی است. ۱۳۷۶، زمان اجرا و ضبط این برنامه می‌بایست سال ۱۳۵۶ بوده باشد. ۲. تلفظ شهنازی از این واژه نزدیک به «امفارسون» است، اما نام صحیح این فرد هامبارتسوم هایرپتیان است.